

ویژگی‌های خانواده برتر در اسلام.....

نعمت‌الله یوسفیان

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

اسلام، در روش تربیتی خود، انسانها را به الگوها، ایده‌آلها و نمونه‌های برتر توجه می‌دهد. تاثیر الگوها در ساخته شدن فرد و اجتماع برکمی پوشیده نیست. خانواده، کوچکترین واحد اجتماعی است که سلول اولیه آن را زن و شوهر تشکیل می‌دهند. الگوی اسلام برای خانواده ایده آل کدام است؟ اسلام چه خانواده‌ای را برتر می‌شمارد؟ خانواده برتر از نظر اسلام چه ویژگیهایی دارد؟ و...

مقاله حاضر با عنوان «ویژگیهای خانواده برتر در اسلام» به بیان این مهم پرداخته است. از این رو، پس از مقدمه‌ای کوتاه و تبیین مفهوم خانواده و ملاک برتری، به نمونه‌هایی از خانواده برتر در قرآن کریم پرداخته است. پس از آن، ضمن معرفی برترین خانواده در منظر اسلام، ویژگیهای خانواده برتر در سه محور اصالت خانوادگی، ویژگیهای نفسانی ارکان خانواده و ویژگیهای رفتاری آنان مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان چند نکته به عنوان نتیجه‌گیری ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: خانواده، خانواده برتر، ویژگیهای خانواده برتر.

مقدمه

خانواده، کانونی است مقدس که در سایه پیوند زناشویی دو انسان از دو جنس مخالف پایه‌گذاری شده و با پیدایش و تولید فرزندان کامل‌تر می‌شود. به عقیده صاحب‌نظران، خانواده از

نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد و از همه نهادهای اجتماعی، طبیعی‌تر و خودی‌تر است.^۱

اسلام، برای ساختن خانواده شایسته و برتر، کاملترین برنامه را ارائه داده و از هیچ چیزی در این زمینه فرو نگذارده است. آیه شریفه «وَجَعَلْنَا لِمَنْ يَشَاءُ مِنْكُمْ آلًا تَرْضَوْنَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ يُرِيدُونَ عِزًّا مِمَّنْ سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ قَلِيلًا وَأَلَّا يُرِيدُوا كِبَارًا يَتَذَكَّرُونَ» (فرقان: ۷۴)، آرمانی است که خانواده‌های اسلامی باید آن را عینیت بخشند و صلاحیت‌الگوی اسلام را برای تربیت شایستگان و خانواده‌های برتر برای جهانیان به اثبات برسانند.

خانواده برتر

در اسلام برای تشکیل خانواده، استانداردهایی معرفی شده است. هر قدر ارکان تشکیل دهنده خانواده با آن استانداردها منطبق باشند به همان مقدار از شایستگی و برتری برخوردار خواهند بود. در روایات، ویژگی‌های فراوان برای شایسته‌ترین زنان و مردان بیان شده است و در سیره معصومین (ع) نیز ارشاداتی وجود دارد که می‌توان از آنها خانواده‌های برتر و شایسته را شناخت. از این رو، به طور اجمال می‌توان گفت خانواده برتر از نظر اسلام، آن است که ارکان آن شایسته و منطبق با استانداردهای اسلامی باشد، مناسبات و روابطی منطبق با آموزه‌های دینی بر آنها حاکم باشد، خروجی آن انسان‌هایی شایسته و موثر در ساخته شدن جامعه ایده آل اسلامی باشد. و اما ملاک برتری، از نظر اسلام، مال و ثروت و مانند آن نیست که کسی به آنها ببالد و بگوید: «نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا» (سبأ: ۳۵). از این رو، اگر خانواده‌ای را برخوردار یافیتند نباید شگفت زده شوید «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ» (توبه: ۵۵) زور و قوت مادی نیز معیار برتری نیست که کسی در ارزیابی افراد در خانواده‌ها بگوید: «كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً» (توبه: ۹) چنانکه برخورداری از قوم و قبیله و عشیره، جاه و مقام و شهرت نیز ملاک برتری نیست.

برتری خانواده به انطباق آن با استانداردهای اسلامی و برخورداری از ویژگی‌های ارزشی و فضیلت‌هاست. هر خانواده‌ای از آن استانداردها بهره‌مند باشد برتر است. بنابراین، منظور از برتری خانواده، برتری در فضایل انسانی و ارزشهای اسلامی است که برخی از آنها با عنوان ویژگی‌های خانواده برتر خواهد آمد.

خانواده برتر در قرآن

قرآن کریم بهترین الگوها را برای شناسایی خانواده برتر به جهانیان معرفی کرده است. خاندان حضرت ابراهیم (ع) از آن جمله است. در آیه‌ای از قرآن کریم می‌خوانیم:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. (آل عمران: ۳۳)

به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است.

حضرت ابراهیم (ع) خود، همسری شایسته، مدیری لایق و پدری نمونه است. و همسر او نیز زنی باکمال و دارای برجستگیهای اخلاقی، در شوهرداری، خانه داری و تربیت فرزند نمونه است. همسر دیگرش نیز نمونه بود. ثمره زندگی حضرت ابراهیم (ع) فرزندان صالح و شایسته، همچون حضرت اسماعیل (ع) و حضرت اسحاق (ع) است که لیاقت پیامبری یافتند. درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند این است که فرزندان صالح به او عنایت کند «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ فَتَبَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ... وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات: ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۱۲)

ابراهیم (ع) پدر این چنین فرزندان است و دو همسر او نیز مادران فرزندان این گونه‌اند. هر کدام از آن دو در پرورش فرزند چه مرارت‌هایی کشیدند و چه آثاری از خود برجای گذاشتند؛ حضرت ابراهیم (ع) همسرش هاجر را به همراه فرزند خردسالش به سرزمینی بی آب و علف آورد: «رَبُّنَا إِنِّي اسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ يُرِيْمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ...» (ابراهیم: ۳۷)

هنگامی که فرشته‌های الهی نزد حضرت ابراهیم (ع) آمدند و تولد حضرت اسحاق را به او بشارت دادند همسر اولش (ساره) نیز در آنجا حاضر و ایستاده بود، تبسمی بر لب داشت و ناظر بر این جریان بود؛ ترجمه آیه ۷۱-۷۳ سوره هود چنین است:

و زن او ایستاده بود. خندید. پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم. (همسر ابراهیم) گفت: ای وای بر من، آیا فرزند آورم با آنکه من پیرزنم و این شوهرم پیرمرد است؟ واقعاً این چیز عجیبی است. گفتند: آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان (رسالت) باد، بی‌گمان، او ستوده‌ای بزرگووار است.

این آیات افزون بر معرفی حضرت ابراهیم (ع) برجستگیهای اخلاقی و معنوی همسران آن حضرت را نیز تبیین می‌کنند.

قرآن کریم خانواده حضرت مریم (ع) را نیز برتر دانسته و از آن به «آل عمران» یاد می‌کند. حضرت مریم (ع) و پدر و مادرش جزو آل عمران شمرده شده و در زمره اصفیا قرار گرفته‌اند.^۲ منظور از این عمران، پدر حضرت مریم (ع) است، نه عمرانی که پدر موسی (ع) است؛ زیرا عمرانی که پدر موسی (ع) است اصلاً نامش در قرآن نیامده است. در این خانواده برتر دو بانو یعنی حضرت مریم و مادرش به عنوان صفوه و برگزیده الهی به جهانیان معرفی شده‌اند. حضرت مریم با آن همه کمالاتی که قرآن کریم گوشه‌هایی از آن را ذکر کرده، دست پرورده مادری نمونه است که او را به پناه خدا سپرد، خدا هم به او پناهندگی داد. آن پناه خواستن نیز در کنار محراب عبادت بود و به استجابت رسید.

قرآن کریم داستانش را در سوره آل عمران آیات ۳۵-۳۷ چنین ترسیم کرده است: چون زن عمران گفت: پروردگارا، آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده (از مشاغل دنیا و پرستشگر تو) باشد، پس از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی. پس چون فرزندش را بزاد، گفت: پروردگارا، من دختر زاده‌ام - و خدا به آنچه او زاییده داناتر بود - و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم. پس پروردگارش وی (مریم) را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد.

خود حضرت مریم (ع) نیز مادری است نمونه و فرزندی چون حضرت عیسی (ع) را تربیت کرد. قرآن کریم مادر این فرزند شایسته را این گونه معرفی می‌کند: «وَأَمَّهُ صِدِّيقَةٌ» (مائده: ۷۵) و مادر او صدیقه (بسیار راستگو) بود. در مقامات معنوی و عرفانی این بانو همین بس که فرشته‌ها نزد او می‌آمدند و پیام خدا را برای او می‌آوردند: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران: ۴۲-۴۳)

وقتی حضرت زکریا نزد مریم می‌آمد، او را در محراب عبادتش می‌یافت در حالی که نزد او غذاهای بهشتی بود: «فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا...» (آل عمران: ۳۷) و همه این کمالات و کرامتها از آن حضرت مریم است.

نمونه دیگر خانواده برتر در قرآن، خانواده حضرت یحیی (ع) است. او نمونه‌ای از فرزندی

صالح در خانواده‌ای شایسته است که در راه خدا به شهادت رسید و پدری همچون حضرت زکریا (ع) دارد.^۳

خانواده حضرت موسی (ع) نیز از این جمله است. او پدر و مادری نمونه دارد. قرآن کریم داستان مرارت‌های مادرش را در آن شرایط سخت حکومت فرعون‌ی تبیین فرموده است.^۴ و خود حضرت موسی (ع) نیز مدیری لایق و شوهری شایسته برای همسرش است. چنان‌که همسر او نیز دختر حضرت شعیب (ع) دارای صلاحیت‌های اخلاقی و معنوی فراوانی است که قرآن کریم نجابت و حیای او را ستوده است. «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ...» (قصص: ۲۵)

برترین خانواده در اسلام

اسلام، اهل بیت پیغمبر اکرم (ص) را به عنوان نمونه‌ای کامل از خانواده برتر معرفی و صلاحیت الگویی آن را برای جهانیان امضا کرده است. خداوند سبحان این خانواده را از هرگونه رجس و پلیدی مبرا دانسته است. آیه شریفه «أَمْأ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۲۳)، خطاب به همین خانواده است.

آیه مباحله (آل عمران: ۶۱) در باره اعضای این خانواده وارد شده و عظمت مقامات معنوی و عرفانی آنان را به نمایش گذاشته است. سوره انسان فضیلت‌های آنان را ستوده است و خلاصه جای جای قرآن از فضایل و ویژگی‌های آنان سخن گفته است.

این خانواده از پیوند ملکوتی وجود نازنین حضرت علی (ع) و فاطمه اطهر (ع) تشکیل شده است و آن دو مصداق اتم انسان کامل و ایده آل هستند. علی (ع) و فاطمه (ع) کفو یکدیگرند؛ اگر علی (ع) نبود فاطمه (ع) در عالم همتایی نداشت و اگر فاطمه (ع) نبود برای علی (ع) کفوی نبود. پیوند آن دو در آسمانها و نزد عرشیان برقرار شد و در جمع زمینیان تحقق عینی یافت. رسول خدا (ص) در جریان ازدواج آن دو وجود عرشی، آنان را اسوه و الگوی امت خویش خواند و فرمود:

وَلِلْأُمَّةِ فِي ابْنَتِي وَ أَخِي أُسْوَةٌ دَخْتَرُمُ فَاطِمَةَ (ع) و برادرم علی (ع) برای امتم اسوه‌اند.
زندگی علی (ع) و فاطمه (ع) سراسر الگوست. همسر داری علی (ع)، مدیریت او در خانه و

خانواده، شوهرداری فاطمه(ع)، خانه داری و تربیت فرزند او در عالم نظیر ندارد و تا قیامت برای جهانیان نورافشانی می‌کند.

ویژگیهای خانواده برتر

با توجه به اینکه اهل بیت پیامبر اکرم(ص) از نظر اسلام برترین خانواده شمرده می‌شوند از تمام ویژگیهای ارزشی و استانداردهای مکتبی به صورتی کامل برخوردارند، باید این خانواده برای همگان الگو قرار گیرند و ویژگیهای آن به عنوان نوک قله و اوج ارزشهای اسلامی مورد توجه باشد و خانواده‌های اسلامی برای رشد و تعالی خود و دستیابی به زندگی ایده آل و مکتبی همواره ارزشهای نوک قله را مدنظر قرار دهند و تمام حرکات و سکنات و جهت گیریهای خود را با آن هماهنگ سازند و تا می‌توانند در همان سمت و سو حرکت کنند و خود را به نوک قله نزدیک سازند.

امام علی(ع) پیروان خود را به اهل بیت و الگوگیری از آنان فراخوانده، می‌فرماید:

به اهل بیت پیامبر بنگرید، از آن سمت که آنها گام برمی‌دارند منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید، آنها هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کنند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید، از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید.^۶

با این توضیح ویژگیهای خانواده برتر را از دیدگاه اسلام در محورهای زیر پی می‌گیریم:

۱. اصالت خانوادگی

اولین ویژگی خانواده برتر در اسلام، اصالت خانوادگی و اصل و نسب پاکیزه است. اصلاّب ارزشمند پدران و دامنهای مطهر و پاک مادران که به هیچ گونه پلیدی آلوده نشده‌اند، چنان که در زیارتنامه امام حسین(ع) می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْهَمَاتِ ثِيَابِهَا»^۷؛ شهادت می‌دهم که تو از گورهای پاک و از ارحام مطهری. جاهلیت به ناپاکیهایش شما را آلوده نساخت و لباسهای ناپاک خود را بر اندام شما نپوشاند.

این ویژگی آنچنان مهم است که امام حسین (ع) در جریان نهضت کربلا و دست بیعت ندادن با یزید به آن استفاده می‌کند و می‌فرماید: «أَبَى اللَّهُ ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَجُدُودُ طَابَتْ وَحُجُورُ طَهَّرَتْ»^۸؛ نه تنها خدا و رسولش برای من نمی‌پسندند که من با یزید بیعت کنم، بلکه دامنه‌های پاک و منزهی که من در آن پرورش یافته‌ام به من چنین اجازه‌ای نمی‌دهند.

امام علی (ع) به مالک اشتر توصیه می‌فرماید که برای گزینش فرماندهان لشکر اسلام بر ویژگی اصالت و شرافت خانوادگی عنایت داشته باشد و افرادی از اهل بیوتات صالحه را برگزیند.^۹

در کتابهای فقهی نیز برای گزینش همسر به این ویژگی توجه شده است.

۲. ویژگی‌های نفسانی

خانواده برتر از لحاظ ویژگیهای نفسانی ارکان تشکیل دهنده آن برجستگیهایی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

۱- ۲۲ دین و ایمان

خانواده‌ای برتر است که هر کدام از ارکان آن از ویژگی دین و ایمان و اعتقادات ناب برخوردار باشد. ترجمه آیه ۲۲۱ سوره بقره چنین است:

زنان مشرک را تا ایمان نیاورده‌اند، به زنی مگیرید و کنیز مومن بهتر از آزادزن مشرک است هرچند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند زن مومن ندهید و برده مومن بهتر از آزادمرد مشرک است، هرچند شما را به شگفت آورد.

ممکن است یکی از ارکان خانواده مانند مرد از این ویژگی برخوردار باشد، ولی همسر او از آن بی بهره باشد. برای مثال قرآن کریم از همسر حضرت نوح و حضرت لوط یاد می‌کند که تحت سرپرستی آنان بودند. ولی عاری از ایمان بودند و از نظر مکتبی و فرهنگی خیانت کردند و به پیامبر خویش ایمان نیاوردند. قرآن این دو زن را الگوی مردم بد معرفی کرده، می‌فرماید:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةً نُوحٍ وَاَمْرَأةً لُوطٍ كَاتَا تَحْتِ عِبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَاتَاهُمَا.... (تحریم: ۱۰)

گاهی نیز ممکن است در خانواده‌ای زن دارای ویژگی دین و ایمان باشد و شوهرش از آن بی بهره باشد. مانند حضرت آسیه. قرآن کریم می‌فرماید:

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي
مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. (تحریم: ۱۱)

در آموزه‌های اسلامی برای گزینش همسر شایسته بر ویژگی دین و ایمان بسیار تاکید شده است. در اسلام، بعد از ایمان به خدا، فایده‌ای بالاتر از زن مومن و متدین و زیبا نمی‌توان سراغ گرفت. «ما أفادَ رَجُلٌ بَعْدَ الإِيْمَانِ خَيْرًا مِنْ امْرَأَةٍ ذَاتِ دِينٍ وَجَمَالٍ».^{۱۰}

در خانواده برتر، زن و شوهر هر دو از عقیده و ایمانی خالص برخوردارند. چنانکه در مورد حضرت علی(ع) و فاطمه(ع) این گونه است. اگر ایمان جنس و انس را روی هم بگذارند به اندازه ایمان علی(ع) نمی‌رسد. آن حضرت فرمود: اگر پرده را کنار هم بزنند چیزی بر یقینم افزوده نمی‌شود «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا».^{۱۱}

فاطمه زهرا(ع) نیز همانند شویش از مراتب بالای ایمان برخوردار بود. رسول خدا(ص) درباره ایمان دخترش فرمود:

إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا وَيَقِينًا.^{۱۲}

همانا خداوند تمام وجود دخترم فاطمه را از ایمان و یقین لبریز کرده است.

۲-۲. علم و دانش

ارکان تشکیل دهنده خانواده برتر از لحاظ علم و آگاهی دارا و ثروتمند هستند. در این خانواده، زن افزون بر اطلاعات و آگاهیهای مذهبی به عنوان همسر، مادر، مدیر و کدبانوی خانه از آگاهیهای لازم زندگی برخوردار است. راه و رسم شوهرداری و خانه داری را به خوبی می‌داند و به وظایفی که شرع مقدس بردوش او نهاده، واقف است و از لحاظ رشد عقلی و فکری به درجه‌ای رسیده است که نیازی به امر و نهی ندارد. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

خَيْرُ الْجَوَارِي مَا كَانَ لَهَا عَقْلٌ وَ آدَبٌ فَلَسْتُ نَحْتِاجُ إِلَى أَنْ تَأْمُرَ وَتَنْهَى.^{۱۳}

بهترین دختران (برای ازدواج) کسانی‌اند که از عقل و ادب برخوردارند و شما به امر و نهی او

نیازی نمی‌یابید.

مرد چنین خانواده‌ای نیز افزون بر اطلاعات دینی، به عنوان مدیر و سرپرست خانواده،

شوهر و پدر از آگاهیهای لازم برخوردار است و به وظایفی که اسلام بر عهده‌اش نهاده، به خوبی آشناست.

یکی از مشکلاتی که اکثر خانواده‌های مذهبی با آن مواجه‌اند جهل و نادانی است. از این رو، در زندگی خانوادگی ناکام می‌مانند. روابط حاکم بر زن و شوهر با آموزه‌های اسلامی انطباق ندارد. فضای خانه و خانواده و محیط نشو و نماي فرزندان در اثر جهالت و ناسازگاری با آموزه‌های اسلامی آفت زده شده است. فرزندان در چنین خانواده‌هایی لوس، ترسو، حقیر و غیرمتکی به نفس و مانند آن بار می‌آیند.

۳-۲. معنویت

زن و شوهر در خانواده برتر سرشار از معنویت اند. زندگی آنان صحنه ذکر و یاد خداست. اهل تهجد و شب زنده داری، تلاوت قرآن، دعا و مناجات، راز و نیاز، توبه و استغفار و مانند آن هستند. از حسیض دنیا و خواسته‌های ناچیز دنیوی فراتر رفته‌اند و مرغ دلشان به پرواز درآمده و اوج گرفته است. دنیا و مال و ثروت، جاه و مقام و شهرت و امثال این امور اعتباری سیرایشان نمی‌کند.

پیوند آنها با یکدیگر ذره‌ای از معنویتشان نکاسته، بلکه بر توفیقاتشان افزوده است؛ چراکه زندگی زناشویی آنان به ارتباط آنها با خدا بیشتر مدد رسانده است.

آیامی شود در این دنیای پر آشوب با انواع مشکلات خانوادگی را با این ویژگی یافت که در سیر ملکوتی و معنوی و عرفانی به پرواز درآمده و راه تعالی و ترقی را با سرعت طی می‌کند، پیدا کرد؟ مثال این خانواده کدام است؟ می‌گوییم بله، شدنی است. مانند علی(ع) و فاطمه(س).

معنویت امیر مومنان که زبانزد خاص و عام است. خدا بر سراسر زندگی‌اش حکومت دارد. تن او در میان زمینیان، ولی روحش با عرشیان دمخور است. در ارتباطش با خداوند سبحان آنچنان اوج می‌گیرد که از هوش می‌رود و ناظران می‌پندارند که او جان سپرده است. او روزی چندین بار اینگونه در ارتباطش با خدا مدهوش می‌شود.

فاطمه زهرا(ع) نیز در معنویت قرین همسرش علی(ع) است. رسول خدا(ص) برخی از حالات معنوی دخترش را اینگونه توصیف می‌کند:

وقتی دخترم فاطمه در محراب عبادت قرار می‌گیرد، همچون ستاره‌ای برای ملائکه آسمان می‌درخشد و خداوند بزرگ به آنان می‌گوید: ای ملائکه من! به بهترین بنده من فاطمه بنگرید، او در مقابل من ایستاده و از خوف من تمامی وجودش می‌لرزد و با تمامی حضور قلب خویش به عبادت من روی آورده است.^{۱۴}

در روایتی دیگر می‌فرماید:

اما دخترم فاطمه، سیده زنان عالم از اولین و آخرین است و (در حالی که) در عبادتگاهش (به نماز) می‌ایستد، هفتاد هزار فرشته از ملائکه مقرب بر او سلام و درود فرستاده و همانگونه که مریم را ندا کردند، می‌گویند: ای فاطمه خداوند تو را برگزید و مطهر و پاکیزه نمود و بر زنان عالم اختیار کرد.^{۱۵} فاطمه(ع) واله و شیدای خداوند برتر بود و چیزی جز جذبه‌های الهی و نظر به «وجه الله» راضی اش نمی‌کرد. رسول خدا(ص) از فاطمه‌اش پرسید: دخترم! هم اکنون جبرئیل نزد من است و از جانب خدا پیام آورده که هرچه بنخواهی تحقق می‌یابد. در پاسخ می‌گوید: لذتی که از خدمت به خدا می‌برم مرا از هر خواهشی بازداشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند کریم در آخرت باشم.^{۱۶}

خانواده برتر از نظر اسلام خانواده‌ای است که در این سمت و سو حرکت کند و بکوشد خود را به این قله نزدیک سازد. لااقل این است که به نماز و روزه و سایر واجبات به عنوان نمادهای معنویت اهتمام ورزد. اندیشه و افکار خود را متوجه ملکوت کند و غل و زنجیرهای دنیایی او را زمین گیر نسازد؛ به گونه‌ای که حالی برای ارتباط با معبود پیدا نکند.

۴-۲ تقوا

قرآن کریم، تقوا را معیار برتری معرفی کرده و کسانی را که از خدا پروای بیشتری دارند گرامی تر می‌شمارد. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» (حجرات: ۱۳).

بر همین اساس هر خانواده‌ای که در رعایت تقوای الهی پیشتازتر باشد از لحاظ الگویی، برتر شمرده می‌شود. در خانواده برتر زن و شوهر متقی و خداترس هستند. حد و مرزهای الهی را مراعات می‌کنند.

اسلام در تشکیل خانواده بر این ویژگی تاکید کرده است و مردی را شایسته همسری می‌داند که پارسا باشد و از گناهانی مانند زنا، شرابخواری و گناهان علنی دوری کند. شخصی درباره از دواج دخترش با امام حسن مجتبی(ع) مشورت کرد حضرت فرمود:

دخترت را به ازدواج مردی باتقوا درآور؛ چراکه او اگر دخترت را دوست بدارد، احترامش می‌گذارد و اگر به او علاقه نداشته باشد به او ستم نمی‌کند.^{۱۷}

۵-۲ صبر و شکر

در خانواده برتر هیچ کدام از زن و شوهر در برابر سختیهای زندگی جزع و بی تابی نمی‌کنند. آنها ناملايمات زندگی را هدیه‌های خدا بر خویش می‌شمارند، در وقت دارایی خدا را سپاس می‌گویند و هنگام نداداری و فقر صبوری می‌کنند.

رسول خدا(ص) می‌فرماید:

برترین زنان کسی است که وقتی نعمتی به او داده می‌شود شکر می‌کند و وقتی محروم می‌شود شکیب می‌ورزد.^{۱۸}

روزی رسول خدا(ص) به منزل دخترش فاطمه(ع) آمد، او را دید که روی زمین نشسته، با دستی فرزندش را در آغوش گرفته، شیر می‌دهد و با دستی دیگر گندمها را با آسیاب دستی آرد می‌کند، اشک در چشمانش حلقه زد و فرمود:

دخترم! تلخیها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز! حضرت فاطمه(ع) در جواب پدر، مراتب سپاس خود را اینگونه اعلام کرد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعَائِهِ وَالشُّكْرُ عَلَى آلَائِهِ».^{۱۹}

فاطمه زهرا(ع) تمام مشکلات زندگی مشترک را به جان خریده و به آن راضی بود و هیچ وقت زبان به گله و شکایت نگشود. او به اینکه خداوند سبحان نعمتهای فراوانی به او ارزانی داشته، شوهری همچون امام علی(ع) نصیبش کرده، فرزندانى همچون حسنین و زینببن به او داده است خدا را شکر می‌کرد.

۳. ویژگیهای رفتاری

خانواده برتر در منظر اسلام از لحاظ ویژگیهای رفتاری ارکان آن برجستگیهایی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

۳-۱. مدیریت ایده آل

زن و شوهر در خانواده برتر به جهت برخورداری از سه ویژگی دانش، مهارت و اخلاق، خانه و خانواده را به بهترین شکل ممکن اداره می‌کنند. در چنین خانواده‌ای، مرد مدیری

لایق و کاردان، پرتلاش، قاطع و جدی در کار است. او هزینه زندگی را از طریق حلال تامین می‌کند. همسر داری او ایده آل است. مدیریت او بر مبنای تحکم و زورگویی نیست. حامی خانواده است و در ارشاد و هدایت و حمایت اعضای خانواده سنگ تمام می‌گذارد و آنان را به سوی معنویات و سعادتشان سوق می‌دهد. چنان که قرآن کریم درباره اسماعیل صادق الوعد می‌فرماید:

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ... (نحل: ۹۰).

زن نیز در ایفای سه وظیفه اصلی «شوهر داری»، «خانه داری» و «نقش مادری» اسوه است. او در هر سه حوزه همچون شویش از دانش، مهارت و اخلاق برخوردار است. بی تردید از جمله آسیبهای جدی در بسیاری از خانواده‌ها این است که زن و شوهر قدرت مدیریت ندارند و یا در مدیریت خانه و خانواده عاجزند. بنیان چنین خانواده‌هایی سست است و احتمال نزاع و کشمکش و تزلزل در آن فراوان است. در این خانواده‌ها یازن قربانی سوء مدیریت مرد قرار دارد و یا مرد از ناحیه سوء مدیریت زن در خانه آسیب جدی می‌بیند و یا فرزندان قربانی سوء مدیریت زن و شوهراند.

۳-۲. مناسبات در روابط اسلامی

در خانواده برتر بهترین نوع مناسبات و روابط وجود دارد. برخی از ویژگیهای رفتاری زن و شوهر در خانواده برتر عبارت است از:

یک. **احترام متقابل:** در خانواده برتر زن و شوهر شخصیت یکدیگر را گرامی می‌دارند، در این خانواده به زن به عنوان رکنی از خانواده بالاترین احترام نثارش می‌شود و مرد نیز به عنوان رکن دیگر از برترین جایگاه شخصیتی برخوردار است.

در آموزه‌های اسلامی سفارش شده است؛ هرکس زنی را به همسری می‌گیرد باید گرامی اش بدارد و او را با اذیت و آزار و ستمگریهایش خرد نکند و شخصیت و کرامت انسانی او را ضایع نسازد. او باید محترم باشد و در خانه دلبری کند و مایه گرمی و نشاط و آرامش خانواده شود. «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا فَإِنَّمَا امْرَأَةٌ أَحَدُكُمْ لُغَبَةٌ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلَا يُضَيِّعْهَا». ۲۰
زنی هم که در خانه از این ویژگی برخوردار است و شوهرش را احترام می‌کند، شخصیت او را گرامی می‌دارد، او را مورد اذیت و آزار زبانی و مانند آن قرار نمی‌دهد و در هر حال از

او اطاعت می‌کند بسیار سعادت‌مند شمرده شده است. «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَتَطِيعُهُ فِي جَمِيعِ اَحْوَالِهِ».^{۲۱} بسیاری از آسیبهای تربیتی فرزندان در خانواده‌ها از همین ناحیه است که زن و شوهر احترام لازم را به یکدیگر نمی‌گذارند و گاه در اثر جهالت و یا غفلت در حضور فرزندان یکدیگر را مورد تحقیر و اهانت قرار می‌دهند و هیبت و مهابت لازم را برای تربیت فرزندان از دست می‌دهند.

دو. خوش اخلاقی: در خانواده برتر زن و شوهر بهترین مراتب خوش اخلاقی را به یکدیگر نثار می‌کنند. آغوش گرم محبت آنها برای یکدیگر باز است. بارویی گشاده و لبی خندان یکدیگر را ملاقات می‌کنند. پاکیزه سخن می‌گویند و هرگز یکدیگر را مورد آزار و زبانی و اهانت قرار نمی‌دهند.

مرد، از بهترین مردان در ابراز محبت و لطف و خوش اخلاقی نسبت به همسر شمرده می‌شود. چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: «خِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِ».^{۲۲} زن نیز، نرم‌خو و آسان گیر «أَهْلِيَّةُ اللَّيْتَةِ»^{۲۳} و بلکه از مهربانترین زنان نسبت به شوهر و با محبت‌ترین آنها نسبت به فرزندان است. «الطُّفُّهُنَّ بِأَزْوَاجِهِنَّ وَ أَرْحَمُهُنَّ بِأَوْلَادِهِنَّ».^{۲۴}

خانواده برتر آنچنان متخلق به اخلاق الهی است که اقوام و خویشان، همسایگان، دوستان و آشنایان و مجموعه‌های ایمانی از خوش اخلاقی و لطف و صفای آنان بهره‌مند می‌شوند و آنها را الگو قرار می‌دهند.

سه. رعایت حقوق یکدیگر: در خانواده برتر نه مرد زبان به شکایت می‌گشاید و از همسرش در پایمال کردن حقوق خویش و انجام وظیفه نکردن او گله می‌کند و نه زن آنها به وظایف خویش به خوبی آشنا و به آن پایبند، هستند. زن و شوهر در چنین خانواده‌ای به تقسیم کاری که رسول اکرم (ص) در زندگی مشترک علی (ع) و فاطمه (ع) صورت داد، کمال رضایت را دارند و هرکدام انجام وظیفه کردن در محدوده تعیین شده را برای خود کاری مقدس، در ردیف جهاد در راه خدا می‌شمارند.

رسول خدا (ص) کارها را میان علی (ع) و فاطمه (ع) تقسیم کرد و حدود وظایف هرکدام را مشخص نمود و فرمود: کارهای خانه را فاطمه (ع) انجام دهد و کارهای بیرونی بر عهده

علی (ع) باشد. فاطمه (ع) می‌گوید: خدا می‌داند که من چقدر از این مطلب خوشحال شدم که کارهای بیرون خانه بر عهده من نیفتاد.^{۲۵} از این رو، او در سنگر خانه به بهترین شکل انجام وظیفه می‌کرد. فاطمه (ع) شوهرش را بهترین همسر می‌دانست و همواره به تمام وظایف همسری خود عمل می‌کرد، از پاکیزگی و ساده پوشی، آرایش و عطر زدن گرفته تا کارهای منزل و آرد کردن و نان پختن و تا قناعت به یک زندگی ساده و بی‌آلایش دلارام شوهر و مایه آرامش خاطر او بودن و ایثار مال و جان خود برای همسر.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: به خدا سوگند هرگز فاطمه را به خشم نیاوردم و او را بر کاری مجبور نساختم تا به دیدار خدای بزرگ شتافت. او نیز هرگز مرا ناراحت نکرد و فرمانم را زیر پا نگذاشت، فاطمه (ع) دلارام من بود و هرگاه چشمم به او می‌افتاد غم و غصه‌هایم بر طرف می‌شد.^{۲۶}

چهار. حریم داری و عفاف: زن و شوهر در خانواده برتر به شدت به موازین شرعی پایبند هستند و به مسائل محرم و نامحرم، حفظ ناموس، عفت و پاکدامنی و عدم اختلاط با نامحرمان فوق العاده اهمیت می‌دهند. مرد در چنین خانواده‌ای عقیف است و چشم خویش از ناموس دیگران فرو می‌پوشد و خواسته‌های غریزی خود را در محدوده‌ای که خداوند برایش حلال کرده، منحصر می‌سازد. زن نیز خود را برای شوهرش ارزانی می‌کند و در غیاب او از خویشتن چون درّی در صدف پاسداری می‌دهد و از نامحرمان حفظ می‌کند. دیدگاه زن اسوه در خانواده برتر این است که در غیر ضرورت بهترین چیز برای او این است که چشمش به مردان بیگانه نیفتد و از تیررس نامحرمان به دور باشد چنانکه فاطمه زهرا (ع) فرمود:

«خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ».^{۲۷}

خانواده‌ای که به این ویژگی پایبند نیست و به محرم و نامحرم و حفظ حجاب و عفاف اهمیت نمی‌دهد، آفت زده است. بسیاری از نابسامانیهای اجتماعی از همین ناحیه صورت می‌گیرد که زن و مرد حریم خود را نمی‌شناسند و به موازین شرع مقدس بی‌اعتنایی نشان می‌دهند و گرنه هرگز اسلام با حضور زن در صحنه اجتماع مخالف نیست. اسلام با بی‌حجابی، بی‌عفتی، اختلاط زن و مرد مخالف است.

پنج. تحمل یکدیگر: در خانواده برتر، زن و شوهر ایمان خود را در پرتو صبر و تحمل بر شداید و گرفتاریها، فقر و تنگدستی و دیگر سختیها و همچنین شکرگزاری از خداوند در برابر نعمتهای او کامل می‌کنند و این سخن پیغمبر اکرم (ص) را شعار زندگی خود قرار می‌دهند که: «الْإِيمَانُ نِصْفَانِ: نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَنِصْفٌ فِي الشُّكْرِ». ^{۲۸} ایمان دو نیمه است: نیمی در صبر و نیمه‌ای دیگر در سپاسگزاری.

در آموزه‌های اسلامی برای مردی که در برابر کژیهای اخلاقی همسرش صبوری کرده، برای خدا تحملش می‌کند پاداش شاکران در نظر گرفته شده است «مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيَبِيءَ الْخُلُقِ وَاسْتَسَبَّ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ فِي الْآخِرَةِ» ^{۲۹}

زنی هم که بر بد اخلاقی شوهرش صبر می‌کند پاداشی همچون آسیه به او داده می‌شود «مَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا، أَعْطَاهَا مِثْلَ (ثَوَابِ) آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاهِمٍ» ^{۳۰} جهاد زن در زندگی آن است که سختیهای زندگی شوهر را تحمل کند و بر اذیت و آزار او صبر نماید. ^{۳۱}

شش. همکاری دو جانبه: از دیگر ویژگیهای رفتاری خانواده برتر همکاری شایسته زن و شوهر با یکدیگر در زندگی است. آن دو، بنده خدایند و خود را در برابر او مسئول می‌دانند و تمام تلاششان در زندگی این است که رضایت خدا را جلب کنند. از این رو، زندگی زناشویی خللی بر بندگی آنان در برابر خدا ایجاد نمی‌کند. چنان که در زندگی حضرت علی (ع) و فاطمه (ع) قضیه این گونه بود. روزی رسول خدا (ص) از علی (ع) پرسید: همسرت را چگونه یافتی؟ خوب یاوری برای اطاعت خداوند است «نِعْمَ الْقَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ». ^{۳۲}

بهترین نوع همکاری این است که زن از لحاظ معنوی و روحی شوهرش را تدارک کند و او را برای حضور در اجتماع تقویت نماید و مرد نیز او را در مسیر بندگی خدا دستگیری کند. از او مراقبت و محافظت نماید و خویشتن را در برابر او مسئول بداند.

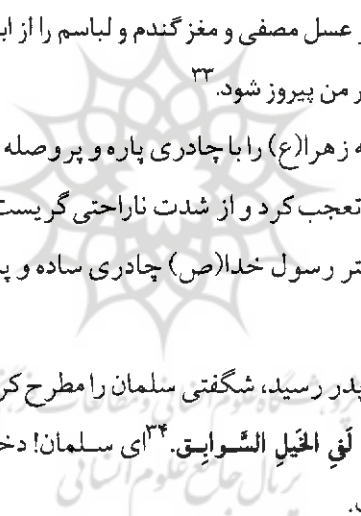
۳-۳. شیوه زندگی

خانواده برتر در زندگی دارای سبک و شیوه‌ای ممتاز از دیگران است. زن و شوهر در چنین خانواده‌ای اهل کار و تلاش اند و برای آبادانی دنیا از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند، ولی

تمام جهت‌گیری‌های زندگی آنان به سمت و سوی زهد و ساده زیستی است؛ روشی زاهدانه فقیرانه دارند و از دنیا به قدر کفاف و نیاز برداشت می‌کنند. در زندگی آنها اثری ز اسراف و ریخت و پاش دیده نمی‌شود.

خانواده برتر در شیوه زندگی خود حد و اندازه را نگه می‌دارند، نعمتهای الهی را بی‌حساب و کتاب مصرف نمی‌کنند و آنها را ضایع نمی‌سازند. در زندگی آنها اثری از تجملات و تشریفات وجود ندارد. آنها کرامت انسانی خود را ارزشمندتر از آن می‌دانند که اسیر زرق و برق و تجملات دنیا شوند. نه اینکه نتوانند از امکانات دنیوی برخوردار باشند، بکله دارایی و ناداری هیچ تغییری در شیوه زندگی آنها ندارد. سخن امیر مومنان (ع) در این باره چنین است که می‌فرماید:

اگر بخواهم غذای خویش را از غسل مصفی و مغز گندم و لباسم را از ابریشم و حریر قرار دهم، قدرت دارم، ولی هیهات که نفس بر من پیروز شود.^{۳۳}

سلمان فارسی روزی فاطمه زهرا (ع) را با چادری پاره و پروصله از لیف خرما دید که به دیدار پدر بزرگوارش می‌رفت، تعجب کرد و از شدت ناراحتی گریست و عرض کرد: دختران کسرا و قیصر در حریرند و دختر رسول خدا (ص) چادری ساده و پشمینه با دوازده وصله بر سر دارد؟! 

وقتی فاطمه (ع) به خدمت پدر رسید، شگفتی سلمان را مطرح کرد. رسول خدا (ص) به سلمان فرمود: یا سلمان! إِنَّ ابْنَتِي لَفِي الْخَيْلِ السَّوَابِقِ.^{۳۴} ای سلمان! دخترم در زمره سبقت گیرندگان به سوی بهشت است.

در خانواده برتر چیزی جز خدا زن و شوهر را راضی نمی‌کند. از این رو، تمام جهت‌گیریهای زندگی آنها برای جلب رضایت خداوند است و گزینش شیوه زاهدانه در زندگی نیز به همین منظور است. از این رو، در روایتی دیگر خود حضرت فاطمه (ع) اینگونه پاسخ سلمان را می‌دهد:

ای سلمان! خداوند بزرگ، لباسهای زینتی و تخته‌های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره

۳-۴. تربیت نسل صالح

فرزندان خانواده برتر نمونه کاملی از تربیت شدگان مکتبی اند. بهترین شیوه تربیتی را در خانواده برتر می توان سراغ گرفت. فرزندان در چنین خانواده‌ای از اوان کودکی تربیت دینی و اخلاقی می شوند. راه و رسم خوب زیستن را می آموزند. با شخصیت و عزتمند بار می آیند و انسانی صالح می شوند و قدم به عرصه اجتماع می گذارند و منشا آثار و برکات فراوان می شوند. تربیت دو رکن دارد: نخست عشق و عاطفه و دیگری علم و آگاهی؛ و زن و شوهر در خانواده برتر از هر دو رکن برخوردارند؛ آنها از جهت عشق و محبت به فرزند و علاقه‌مندی به سرنوشت او ثروتمند هستند و از لحاظ علم و دانش از بالاترین اطلاعات برخوردارند. می دانند که کودک از نظر روانی چه خواسته‌هایی دارد و چگونه باید به خواسته‌هایش پاسخ داد. می دانند چگونه باید به کودک ابراز محبت کرد و چه مقدار باید به او محبت شود که لوس بار نیاید. کودک در خانواده برتر مورد تکریم قرار می‌گیرد و با شخصیت بار می‌آید. به سوالات او به صورت منطقی، مستدل و متناسب با میزان درک و فهم او پاسخ داده می‌شود. او در چنین خانواده‌ای شجاع بار می‌آید، چرا که زن و شوهر هرگز کودکشان را از موهومات نمی‌ترسانند.

نتیجه گیری

از مجموع آنچه گذشت نتیجه گرفته می‌شود که:

۱. خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی است و سلول اولیه آن رازن و شوهر تشکیل می‌دهند.
۲. خانواده‌ای که با استانداردهای اسلامی انطباق دارد، خانواده برتر است.
۳. ملاک برتری خانواده، برخورداری از فضیلتها و ارزشهای اسلامی است.
۴. قرآن کریم منبعی برای شناسایی خانواده برتر و ویژگیهای آن است.
۵. خانواده حضرت ابراهیم، حضرت مریم، حضرت موسی، حضرت شعیب و حضرت یحیی چند نمونه از خانواده‌های برتر قرآنی است.
۶. اسلام، اهل بیت پیامبر (ص) را برترین خانواده می‌شمارد و همگان را به الگوگیری از آن دعوت می‌کند.

۷. ویژگیهای خانواده برتر را در سه محور اصالت خانوادگی، ویژگیهای نفسانی ارکان آن و ویژگیهای رفتاری آنها می‌توان خلاصه کرد.
۸. دین و ایمان، علم و دانش، معنویت، تقوا و صبر و شکر برخی از ویژگیهای نفسانی ارکان تشکیل دهنده خانواده برتر است.
۹. برخی از ویژگیهای رفتاری خانواده برتر عبارت است از مدیریت ایده‌آل خانواده، مناسبات و روابط اسلامی زن و شوهر با یکدیگر، شیوه زندگی فقیرانه و زاهدانه و تربیت نسل صالح.

پی‌نوشتها:

۱. خانواده متعادل، دکتر محمد رضا شرفی، ص ۴۳.
۲. ر.ک: آل عمران(۳)، آیه ۳۳.
۳. ر.ک: آل عمران(۳)، آیات ۳۸-۴۱؛ مریم(۱۹)، آیات ۱۵-۲.
۴. ر.ک: قصص(۲۸).
۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۶۵.
۶. نهج البلاغه، خطبه ۹۷.
۷. مفاتیح الجنان، زیارت وارث.
۸. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۹.
۹. ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۵۳ (ثم الصق بذوی المروءات و الاحسان و اهل البيوتات الصالحه).
۱۰. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.
۱۱. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۵۳.
۱۲. همان، ج ۴۳، ص ۲۹.
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳.
۱۴. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.
۱۵. همان، ص ۲۴.
۱۶. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۵.
۱۷. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۲.
۱۸. الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۵۲.
۱۹. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۶.
۲۰. همان، ج ۷۶، ص ۸۵.
۲۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۷.
۲۲. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۲.
۲۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵.
۲۴. همان، ص ۲۰.
۲۵. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۱.

۲۶. همان، ص ۱۳۴.
 ۲۷. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶.
 ۲۸. همان، ج ۷۷، ص ۱۵۳.
 ۲۹. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۴.
 ۳۰. همان، ص ۲۴۷.
 ۳۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۱.
 ۳۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.
 ۳۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵.
 ۳۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۸.
 ۳۵. همان، ج ۸، ص ۳۰۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی